

# سیاست اتمی دولت بوش و مفهوم آن برای امنیت چین

تیان جینگمای\*

مهدی ذوالفقاری\*\*

**چکیده:** از زمانی که دولت بوش بر سر کار آمد تحولاتی جدی در استراتژی هسته‌ای آمریکا نسبت به دوران کلینتون به وجود آمد و سؤالاتی در مورد پیامدهای این تحولات و اثر آن بر امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای مطرح گردید که افراد مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه کرده‌اند. هدف از این نوشتار یافتن پاسخ همین پرسش‌هاست و نیز اثرات استراتژی هسته‌ای دولت بوش بر امنیت چین مورد بررسی قرار گرفته است. دیدگاه اصلی در این مقاله آن است که دولت بوش بیشترین تعدیل‌ها و تغییرات را از زمان جنگ سرد به بعد در استراتژی هسته‌ای آمریکا اعمال کرده است. استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا سبب برهم خوردن توازن قوا و ثبات در منطقه و جهان خواهد شد. به علاوه ایالات متحده تمرکز استراتژی نظامی خود را از اروپا به آسیا منتقل ساخته است و این موضوع اثرات مهمی بر امنیت منطقه‌ای آسیا-پاسیفیک و امنیت چین خواهد گذارد.

**کلیدواژه‌ها:** ایالات متحده آمریکا، چین، استراتژی هسته‌ای، موشک‌های بالستیک، امنیت ملی، بازدارندگی اتمی.

\* خانم دکتر تیان (Tian Jingmei) استادیار بخش مطالعات کنترل تسلیحات در مؤسسه Applied Physics and Computational Mathematics

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۲، دانشگاه امام صادق(ع).

## مقدمه

از هنگامی که بوش وارد دستگاه حکومتی شد و به ویژه از زمانی که سند «بررسی وضعیت اتمی» آنها اعلام شد، برخی مناقشات جدی در مورد تغییرات دولت بوش در استراتژی اتمی دولت کلینتون پدید آمد. سؤالاتی از این قبیل که چه نتایجی از این تغییر موضع پدید خواهد آمد و چه اثراتی را باید بر امنیت جهانی و منطقه‌ای شاهد باشیم. افراد مختلف دیدگاه‌های مختلف دارند.

اصلی‌ترین نقطه نظر این تحقیق این است که دولت بوش از زمان پایان جنگ سرد بیشترین میزان اصلاح و تعدیل را در استراتژی اتمی آمریکا داشته است. این تعدیل و اصلاح به میزان زیادی استراتژی بازدارندگی اتمی آمریکا، سیاست کشور در استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، ساختار سه وجهی نیروهای بازدارنده و سیاست‌های کنترل تسلیحات هسته‌ای را تغییر داده است. به نظر می‌رسد که این استراتژی هسته‌ای جدید آمریکا توازن امنیت منطقه‌ای و جهانی را دچار اختلال خواهد ساخت که در این مقاله می‌کوشیم ابعاد مختلف این تحولات و پیامدهای آنان را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱- روند استراتژی هسته‌ای دولت بوش

جورج بوش در طول مبارزه انتخاباتی خود برای ریاست جمهوری حملات شدیدی را بر استراتژی اتمی دولت کلینتون وارد کرد. او در آن زمان گفت که با وجود اینکه یک دهه از زمان پایان جنگ سرد می‌گذرد اما سیاست هسته‌ای آمریکا همچنان در زمان‌های گذشته و در همان فضای ذهنی دوران جنگ سرد به سر می‌برد.<sup>۱</sup> بعد از اینکه بوش قدرت را به دست گرفت، به سازمان دفاعی کشور دستور داد (با کسب اختیار از کنگره) تا در استراتژی هسته‌ای کشور تجدید نظر کلی نماید. در دسامبر سال ۲۰۰۱ سند محرمانه «بررسی وضعیت اتمی»<sup>۲</sup> تسلیم کنگره شد و بعد به مجامع عمومی درز کرد.<sup>۳</sup> این سند یک طرح اولیه جامع از نحوه گسترش و آرایش سلاح‌های هسته‌ای ارائه می‌کند.

استراتژی هسته‌ای جدید از حالت استراتژی «تهدید محور»<sup>۴</sup> که نزدیک به نیم قرن بر طرح‌های دفاعی آمریکا مسلط بود کناره گرفت و یک دیدگاه «توانایی محور»<sup>۵</sup> را اتخاذ

نمود که به جای تمرکز بر این مسأله که چه کسانی و از کجا ممکن است آمریکا را تهدید کنند، بیشتر به این می‌پرداخت که چگونه ممکن است آمریکا تهدید شود و چه چیزهایی برای بازدارندگی و دفاع در مقابل این تهدیدات مورد نیاز است.<sup>۶</sup> بازدارندگی اتمی مبتنی بر نابودی قطعی متقابل با بازدارندگی اتمی مبتنی بر نابودی قطعی یک جانبه جایگزین شد. جنگ سرد سوم به طور کامل وابسته به نیروهای اتمی تهاجمی است که ترکیبی هستند از موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای زمین پایه (ICBMs)<sup>۷</sup>، لانچرهای موشک‌های بالستیک زیردریایی پایه (SLBMs)<sup>۸</sup> و بمب افکن‌های بلند برد هستند که نیروهای ضربت تهاجمی سه جانبه هسته‌ای و غیر هسته‌ای جدید، سیستم دفاع موشکی و زیرساخت‌های تدافعی واکنش سریع را پدید می‌آورند. همکاری چندجانبه در زمینه کنترل تسلیحات هسته‌ای جای خود را به این دیدگاه تک محور داد. مهم‌تر از همه این استراتژی هسته‌ای جدید نقش تهاجمی سلاح‌های هسته‌ای را پررنگ ساخت و خواستار گسترش سلاح‌های هسته‌ای کم انفجار و از سرگیری آزمایشات هسته‌ای شد.

در مقابل تغییرات در استراتژی هسته‌ای آمریکا، برخی کشورها استراتژی‌های نظامی و هسته‌ای خود را تغییر خواهند داد، نیروهای هسته‌ای قوی‌تری را فراهم خواهند آورد و یا به دنبال دستیابی به آنها حرکت خواهند کرد. این مسأله باعث پدید آمدن زنجیره‌ای از عکس‌العمل‌ها خواهد شد و صلح و ثبات جهانی و منطقه‌ای را نابود خواهد ساخت. این مسئله نه تنها امنیت آمریکا را افزایش نخواهد داد بلکه آن را کاهش نیز می‌دهد.

## ۲- تأکید بر نقش تهاجمی سلاح‌های هسته‌ای

در طول جنگ سرد، سلاح‌های هسته‌ای نقش دوگانه‌ای را در استراتژی نظامی آمریکا داشتند؛ یکی نقش بازداشتن شوروی از حمله اتمی به آمریکا و دیگری بازدارندگی از حملات متعارف پیمان ورشو به متحدان اروپایی با متعاقد کردن شوروی به اینکه هرگونه اقدامی از این قبیل نتایج غیرقابل قبولی را به دنبال خواهد داشت، بود. نقش دیگر سلاح‌های هسته‌ای در استفاده تهاجمی از آنها بود. تصمیم به استفاده از نیروهای اتمی که تأکید بر جنبه تهاجمی آن است، عامل مهمی در بازدارندگی اتمی است.<sup>۹</sup> در واقع هدف استراتژی هسته‌ای

آمریکا بر این بود تا از به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و جنگ اتمی بین دو کشور دوری بجوید، زیرا هر دو آن قدر نیروی اتمی داشتند که بتوانند اقدام به نابودی قطعی طرف مقابل نمایند. در این شرایط بعید به نظر می‌رسید که دو کشور خواستار کاهش تسلیحات اتمی خود باشند؛ در عوض تعداد سلاح‌های هسته‌ای آن قدر زیاد شد که به حد کاملاً افراطی رسید. در این زمان جهان در سایه یک جنگ اتمی قرار داشت.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، محیط امنیتی بین‌المللی را به شدت تغییر داد. از این رو دولت کلینتون استراتژی اتمی آمریکا را مورد بازنگری مجدد قرار داد. سند «بازنگری وضعیت اتمی» که در سپتامبر سال ۱۹۹۴ توسط بیل کلینتون مورد تأیید قرار گرفت، مقرر می‌داشت که سلاح‌های هسته‌ای نقش کوچک‌تری را در امنیت آمریکا به نسبت مقاطع دیگر عصر هسته‌ای خواهند داشت و لذا آمریکا به زرادخانه‌های اتمی کمتری نیاز خواهد داشت.<sup>۱۰</sup> متعاقباً کلینتون سند دستور العمل ریاست جمهوری را به صورت رسمی در نوامبر سال ۱۹۹۷ ارائه نمود که رهنمودهای اتمی ارائه شده توسط دولت ریگان را که معتقد به لزوم آمادگی آمریکا برای جنگ اتمی بلند مدت بود، معلق ساخت. این دستور العمل دولت کلینتون برخاسته از این مسأله بود که نقش سابق سلاح‌های هسته‌ای در جنگ سرد سابق بازدارندگی بوده است.<sup>۱۱</sup> در نتیجه آمریکا زرادخانه‌های اتمی خود را در مقیاس وسیعی کاهش داد و به روند کنترل تسلیحات بین‌المللی فشار آورد.

به هر حال طرح دولت بوش برای تغییر سیاست‌های دولت پیشین در مورد تسلیحات اتمی، تأکید بر نقش تهاجمی آنها بود. بر طبق سند طبقه‌بندی شده «بررسی وضعیت اتمی» که به رسانه‌ها درز پیدا کرد، آمریکا می‌تواند از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای چین، روسیه، عراق، کره شمالی، ایران، لیبی و سوریه در درگیرهایی مثل جنگ اعراب - اسرائیل، جنگ بین چین و تایوان و یا در حمله کره شمالی به کره جنوبی استفاده کند. همچنین آمریکا می‌تواند در سه موقعیت مشخص نیز از این سلاح‌ها استفاده کند: علیه اهدافی که در مقابل حملات عرفی مقاوم هستند، در تلافی حمله اتمی، شیمیایی و یا بیولوژیکی و یا ترقی بیش از حد یک کشور در امور نظامی.<sup>۱۲</sup> در نهایت بوش در یکی از

سخنرانی‌های خود تأکید نمود: «ما باید جنگ را به دشمنانمان تحمیل کنیم، نقشه‌های آنها را ناکام بگذاریم و با تهدیدات جدی قبل از آنکه ظاهر شوند مقابله کنیم».<sup>۳۳</sup> این مطلب دلالت بر این دارد که بوش نه تنها خواستار استفاده از سلاح‌های هسته‌ای برای تلافی یک حمله با سلاح‌های کشتار جمعی است بلکه برای بازداشتن از آن نیز هست.

این وضعیت نشان می‌دهد که دولت بوش با گسترش حوزه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای دارای این سلاح به کشورهایی که این سلاح را ندارند، بر نقش تهاجمی این سلاح‌ها به جای نقش بازدارندگی آن تأکید می‌کند. این رویکرد در نهایت تابوی یک دهه‌ای مخالفت با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را در هم شکسته و آستانه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را پایین می‌آورد. هرچند افزایش نقش تهاجمی سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند اعتبار و قدرت تأثیر بازدارندگی آمریکا را افزایش دهد اما از سویی کشورهای دیگر را تحریک می‌کند تا برای اعتبار نیروهای نظامی خود به این سلاح‌ها روی بیاورند. این مسأله خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را افزایش می‌دهد و مناطق و در نهایت همه دنیا را به بی‌ثباتی می‌کشاند.

### ۳- تعقیب بازدارندگی همه جانبه

بازدارندگی اتمی هسته مرکزی استراتژی اتمی آمریکاست. در سراسر جنگ سرد - عصر خصومت کامل بین آمریکا و شوروی - آمریکا شوروی را به عنوان اصلی‌ترین دشمن و تهدید نسبت به امنیت خود تلقی می‌کرد. استراتژی بازدارندگی اتمی آمریکا برای ممانعت از هرگونه حمله اتمی از جانب شوروی طراحی شده بود. از آنجا که هر دو کشور آن قدر نیروی اتمی برای تلافی داشتند تا بتوانند طرف دیگر را بعد از دریافت اولین حمله اتمی نابود سازند، آمریکا دکترین بازدارندگی اتمی خود را به سطح نابودی قطعی متقابل در ۱۹۶۰ ارتقا داد. از آن زمان امنیت آمریکا به طور شدیدی وابسته به موازنه وحشت اتمی گشته بود. این استراتژی به طرز موفقیت آمیزی توانسته بود از حملات اتمی و یا حملات عرفی وسیع شوروی در طول جنگ سرد جلوگیری نماید. اما این استراتژی در بازداشتن حمله القاعده به سرزمین آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۱ شکست خورد. بعد از این حادثه دولت

بوش دریافت که رویکرد زمان جنگ سرد به بازدارندگی که قویا تأکید بر جنبه تهاجمی سلاح‌های هسته‌ای داشت دیگر کارآمد نیست.

برداشت دولت بوش این است که محیط امنیت بین‌المللی یک دهه پس از پایان جنگ سرد کاملاً عوض شده است. بوش در یکی از سخنان خود گفت «امروز روسیه همان شوروی گذشته نیست» و یا «امروز دیگر شوروی دشمن ما نیست».<sup>۱۴</sup> تراژدی ۱۱ سپتامبر برای همه روشن ساخت که بزرگ‌ترین تهدیدات نسبت به امنیت آمریکا از طرف روسیه و یا دیگر قدرت‌های دنیا نیست؛ بلکه از جانب تروریست‌هایی است که بدون اخطار حمله می‌کنند و یا از جانب دولت‌های یاغی است که به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی هستند.<sup>۱۵</sup> بر طبق برآورد اطلاعاتی جدید آمریکا، این کشور بیشتر انتظار حمله نامتعارف از جانب تروریست‌هایی را دارد که از کشتی، کامیون و هواپیما برای حمله استفاده می‌کنند و نه از کشورهای خارجی که موشک‌های بلند برد دارند.<sup>۱۶</sup> به علاوه وضعیت امنیت جهانی از دید آمریکایی‌ها با حالتی از تردید مواجه است. آمریکا نمی‌تواند و نخواهد توانست متوجه شود که کدام ملت‌ها یا ائتلافی از آنها یا بازیگران غیردولتی نسبت به منافع حیاتی آمریکا و متحدان و دوستانش تهدید آفرین خواهند بود.<sup>۱۷</sup> در آینده ایالات متحده به جای تهدیدات یک جانبه با مخالفت‌های بالقوه چندجانبه، منابع درگیری و چالش‌های بی‌سابقه مواجه خواهد شد.

بنابراین دولت بوش فکر می‌کند که آمریکا بایستی دکترین بازدارندگی هسته‌ای نابودی قطعی را که پاسخی در مقابل تهدید یک جانبه شوروی سابق بود رها کند؛ زیرا این استراتژی نمی‌تواند به این تهدیدات بسیار متنوع و و بالقوه که با آنها مواجه است و همچنین احتیاجات امنیتی جدید آمریکا پاسخ بدهد. در نظر من دولت بوش از کاستن از دکترین نابودی قطعی خود اهداف دیگری را با توجه به پیشینه تاریخی خود دنبال می‌کند: آمریکا از توجه به روسیه به عنوان یک قدرت هم تراز در امور دوجانبه و بین‌المللی بی‌میل است، بنابراین به دنبال پررنگ ساختن وضعیت ابرقدرتی یگانه خود است. به نظر می‌رسد که بهانه آوردن برای عقب نشینی از پیمان ضد موشک‌های بالستیک (ABM)<sup>۱۸</sup> تنها وابسته به دکترین نابودی قطعی متقابل است.

به جای سیاست نابودی قطعی متقابل، دولت بوش در حال تعقیب بازدارندگی همه جانبه است که به طور مؤثری می‌تواند بسیاری از مخالفت‌های گسترده مانند افزایش قدرت‌های منطقه‌ای که هژمونی آمریکا را به چالش می‌کشند و بالقوه آمریکا، متحدان و دوستانش را تهدید می‌کنند دلسرد سازد. ایالات متحده برای هماهنگی با این تغییرات اساسی در استراتژی بازدارندگی هسته‌ای خود یک نیروی استراتژیک سه جانبه را پدید آورده است که متشکل است از: نیروهای ضربت تهاجمی اتمی و غیر اتمی، سیستم دفاع موشکی و زیرساخت‌های تدافعی واکنش سریع.

این استراتژی جدید به میزان زیادی وابسته به تسلیحاتی است که دشمنان بالقوه باور داشته باشند بر علیه آنها استفاده خواهد شد و به نظر می‌رسد که نسبت به دکترین سابق نابودی قطعی چند جانبه که صرفاً متکی به سلاح‌های اتمی تهاجمی بود مؤثرتر و معتبرتر باشد. به هر حال این استراتژی تمایز بین بازدارندگی اتمی و بازدارندگی عرفی را محو می‌کند. این مسأله بسیار خطرناک است. از یک نظر این تیرگی ممکن است ایالات متحده را به سمت به کارگیری سلاح‌های اتمی هدایت کند؛ از طرف دیگر برای مخالفان مشخص نیست که کی و تحت چه شرایطی این کشور از بازدارندگی اتمی یا عرفی خود در بحران‌ها استفاده خواهد کرد.

#### ۴- تشکیل نیروهای بازدارنده سه گانه

با تغییرات اساسی در استراتژی بازدارندگی اتمی آمریکا به نظر می‌رسد که ساختار نیروهای بازدارنده‌ای که لازم است از این استراتژی حمایت نمایند نیز باید تنظیم شوند. نیروهای اتمی تهاجمی سه گانه زمان جنگ سرد (که متکشل از ICBMs، SLBMs و بمب افکن‌های اتمی بلند برد است) با نیروهای سه گانه ضربتی تهاجمی اتمی و غیر اتمی، سیستم‌های دفاع موشکی و زیرساخت‌های تدافعی واکنش سریع جایگزین شده‌اند. نیروهای سه جانبه زمان جنگ سرد زیر شاخه‌ای از این نیروهای سه گانه به حساب می‌آیند.

#### ۵- نیروهای ضربت تهاجمی اتمی و غیر اتمی

نیروهای ضربت تهاجمی گذشته آمریکا از ICBMs، SLBMs و بمب افکن‌های اتمی تشکیل شده بود. ایالات متحده برای برحذر ماندن از تهدیدات و حملات شوروی

کاملاً به این نیرو اعتماد کرده بود. اما دولت بوش فکر می‌کند که نیروهای تهاجمی اتمی صرف نمی‌تواند برای تهدیدات و دشمنان چندجانبه‌ای که آمریکا در قرن حاضر با آنها روبرو است ایجاد بازدارندگی نماید و این نیروها نمی‌توانند یک بازدارندگی همه‌جانبه را تأمین نمایند. به این منظور نیروهای ضربت تهاجمی آمریکا نیاز دارند تا به ورای این نیروهای سه‌گانه زمان جنگ سرد حرکت نمایند. به منظور ابقای نیروهای سه‌گانه زمان جنگ سرد به عنوان بخش کلیدی از استراتژی بازدارندگی جدید، دولت بوش تأکید بیشتری را بر سلاح‌های متعارف پیشرفته قرار داده است، مخصوصاً نیروهای متعارف دارای برد بلند و دقت بالایی هدف‌گیری که قادرند اهداف سخت و عمیق داخل زمین را نیز نابود سازند. نیروهای تهاجمی اتمی و غیراتمی نقش کلیدی را در این نیروهای سه‌گانه جدید که پنتاگون معتقد است از آنها به طور مجزا و یا ترکیبی در یک حمله می‌تواند استفاده کند ایفا می‌کنند. این ترکیب می‌تواند اتکا به نیروهای تهاجمی اتمی را برای فراهم نمودن یک بازدارندگی تهاجمی، مشکلات انعطاف‌پذیری در طراحی و هدایت یک عملیات نظامی برای شکست قطعی دشمن و افزایش اعتبار بازدارندگی برای دشمنان آمریکا را کاهش دهد.

## ۶- سیستم دفاع موشکی

در گذشته، سیستم دفاع موشکی غیر عملی و بی‌ثبات کننده پنداشته می‌شد. به هر حال دولت بوش فکر می‌کند که نیروهای اتمی آمریکا ممکن است به تنهایی نتوانند علیه حملات و تهدیدات، نسبت به ایالات متحده، متحدان و دوستان این کشور ایجاد بازدارندگی نماید. برای انواع گوناگون دشمنان و تهدیدات غیر منتظره که ممکن است در دهه آینده در مقابل ایالات متحده ظهور نمایند ترکیب جدیدی از نیروهای تهاجمی ضربتی و توانایی‌های دفاعی مورد نیاز است. لذا دولت آمریکا اهمیت زیادی را برای گسترش و به کارگیری سیستم دفاع موشکی که آن را به عنوان پایه دوم نیروهای سه‌گانه به حساب می‌آورد قائل است. سیستم دفاع موشکی دولت بوش برای حفاظت از پنجاه دولت دوست و متحد آمریکا طراحی شده است و نیروهای ماورای بحار را برای حملات



موشکی توسط دولت‌های یاغی یا پرتاب‌های اتفاقی به کار می‌گیرد. این سیستم قابلیت‌های زمین پایه، دریا پایه و فضا پایه را جهت مقابله با انواع موشک‌های بالستیک در هر مرحله‌ای از پروازشان (آغاز، میانه راه، بعد از ورود مجدد به جو و در مرحله نهایی) خواهد داشت. برای بنای چنین سیستمی آمریکا از پیمان ABM کناره‌گیری نموده و موانع قانونی برای گسترش و به کارگیری سیستم دفاع موشکی ملی را کنار زده است. به علاوه دولت بوش نه تنها بودجه نظامی برای سیستم دفاع موشکی را افزایش داده است، بلکه به منظور به کارگیری هرچه سریع‌تر سیستم دفاع موشکی، آزمایشات دفاع علیه موشک‌های بالستیک را تشدید نموده است. گسترش سیستم دفاع موشکی، نیروهای استراتژیک تهاجمی و تدافعی را در اختیار آمریکا خواهد گذاشت که کاملاً مانند نیزه نوک تیز و از سوی دیگر مانند سپری قوی عمل خواهند نمود. بنابراین ایالات متحده می‌تواند یک حمله پیشدستانه را آغاز نماید و در امور جهانی و منطقه‌ای دخالت نماید.

## ۷- زیرساخت‌های تدافعی واکنش سریع

در بخش دفاعی، زیرساخت‌های دفاعی آمریکا از زمان پایان جنگ سرد منقبض شده بود و زیر ساخت‌های اتمی این کشور نیز تحلیل رفته بودند. با مراجعه به زیرساخت‌های اتمی، برخی از کاستی‌ها ظهور یافتند مانند: طراحی، گسترش و آزمایش موتورهای سوخت جامد راکت، تکنولوژی مورد نیاز سیستم‌های استراتژیک فعلی و آینده، بهبود توانایی‌های نظارت و ارزیابی، سیستم‌ها و سکوهاى مراقبت و طراحی و گسترش بخش‌های مقاوم در مقابل پرتوهای رادیواکتیو. از این رو نیاز است تا زیرساخت‌های اتمی در جهت افزایش اعتماد در نیروهای به کار گرفته شده مرمت شوند. نظامیان به زیرساخت‌های دفاعی واکنشی به عنوان سومین پایه نیروهای سه گانه جدید نگاه می‌کنند. این مسأله نیازمند این است که این زیرساخت‌ها اجازه دهند تا سلاح‌های اتمی جدید بسیار سریع‌تر از چهارچوب ۲۰-۱۵ ساله که آمریکا برای تفکر در مورد ترقی سیستم‌های جدید صرف کرده است گسترش یابند.<sup>۱۹</sup> فراهم نمودن زیرساخت‌های اتمی واکنشی، آمریکا را قادر می‌سازد تا تولید سلاح‌های اتمی و ساخت نسل جدید آنها را در

زمانی کوتاه در جهت حمایت از نیروهای اتمی و برای پاسخگویی به تغییرات وسیع در حوزه استراتژیک از سر بگیرد. به علاوه این مسأله به آمریکا اجازه خواهد داد تا از زرادخانه‌های اتمی خود بکاهد، هم زمان برتری اتمی خود را حفظ نماید و دشمنان را از آغاز یک مسابقه در زمینه تسلیحات اتمی منصرف و دلسرد سازد. لذا همان طور که کاستن از نیروهای تهاجمی به صورت مرحله به مرحله در جهت کاهش خطرات بسیار حیاتی است زیرساخت‌های اتمی پاسخگو نیز بسیار حیاتی هستند.

در مقایسه با زمان جنگ سرد این نیروهای سه گانه قدرت انتخاب بیشتری را برای رئیس جمهور آمریکا فراهم کرده است، از سلاح‌های کوچک و بزرگ اتمی تا سلاح‌های پیشرفته متعارف و سیستم‌های دفاع موشکی برای دلسرد کردن، بازداشتن و شکست انواع گسترده تهدیدات دشمنان آمریکا. این نیروهای سه گانه اتکا به نیروهای اتمی تهاجمی استراتژیک را کاهش داده و اعتبار و کارایی بازدارندگی استراتژیک را مجدداً تقویت نموده است.

اما ضمناً این نیروهای سه گانه جدید تمایزات بین سلاح‌های اتمی و غیراتمی را کم‌رنگ می‌کند و این گونه به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا از نیروهای اتمی خود استفاده خواهد کرد. افزایش ارزش سلاح‌های هسته‌ای موجب تحریک کشورهای دیگر به تعقیب سلاح‌های اتمی خواهد شد و لذا تکثیر این سلاح‌ها افزایش خواهد یافت. لذا می‌توان نتیجه گرفت که ترکیب نیروهای اتمی و متعارف برای آمریکا بسیار خطرناک خواهد بود. ایالات متحده از برتری کامل نظامی برخوردار است. این برتری به کارگیری سیستم‌های دفاع موشکی را تسریع کرده است. این مسأله موجب عدم توازن نیروهای نظامی منطقه‌ای و جهانی خواهد شد و چارچوب امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را تضعیف خواهد نمود. برخی کشورها بیشترین تلاش خود را برای جبران این عدم توازن با گسترش نیروهای تهاجمی مدرن به کار خواهند بست که موجب این خواهد شد تا همسایگان آنها نیز همین کار را انجام دهند. لذا در سطح دنیا و مناطق با بی‌ثباتی روبرو خواهیم شد. به علاوه این مسأله موجب تخریب منافع امنیتی آمریکا خواهد شد.

## ۸- توسعه سلاح‌های اتمی کم انفجار و نفوذ کننده در عمق زمین<sup>۲۰</sup>

در مورد سلاح‌های اتمی کم انفجار و نفوذ کننده در عمق زمین مباحث زیادی در آمریکا مطرح شده است. برخی از وزرای دولت و متصدیان آزمایشگاه سلاح‌های اتمی در حالی که مخالفانی نیز دارند اصرار می‌کنند که دولت آمریکا این نوع از سلاح‌ها را توسعه دهد. دستور العمل دفاعی ۱۹۹۴، تحقیقات و پیشرفتهایی که این کشور را به سوی تولید این نوع از سلاح‌های هسته‌ای هدایت می‌کرد ممنوع نمود. هر چند دولت بوش در توسعه این گونه تسلیحات اتمی بازنگری نموده است ولی هنوز تصمیمی در جهت توسعه آن نداشته است.

در جولای ۲۰۰۱، بخش دفاع و انرژی، مطالعات مقدماتی خود را در بررسی چگونگی اصلاح سلاح‌های اتمی برای حمله به مجموعه‌های بتونی سخت و تونل‌های زیرزمینی که سلاح‌های متعارف نمی‌توانند آنها را نابود سازند، تکمیل نمود؛ اما هیچ تصمیمی برای پیشبرد این برنامه پیشنهادی گرفته نشد. تصمیم برای این اینکه چه برنامه عملی برای تولید یا اصلاح سلاح‌های اتمی جهت ضربه به اهداف سخت زیرزمینی آغاز خواهد شد، در سند «بررسی وضعیت اتمی» پیش بینی شده است.<sup>۲۱</sup>

البته این سند مستقیماً به توسعه سلاح‌های اتمی با قدرت تخریب کم و قدرت نفوذ در زمین اشاره نمی‌کند، اما در یک نشست مطبوعاتی در همین مورد کروج<sup>۲۲</sup> معاون وزیر دفاع در سیاست امنیت بین‌المللی گفت: «ما به دنبال دستیابی به انواعی از ابتکار عمل از قبیل: اصلاح نیروهای اتمی موجود برای کسب توانایی بیشتر علیه... اهداف سخت و اهداف در عمق زمین، مانند سیستم‌های کنترل و فرماندهی و انبارهای تسلیحات زیرزمینی هستیم».<sup>۲۳</sup> دولت بوش در درخواست بودجه فوری سال ۲۰۰۳ بودجه خاصی را برای دو بخش اجرا و مطالعات «سلاح‌های اتمی نفوذ کننده در زمین» درخواست نمود.<sup>۲۴</sup> مهم‌تر از این، سند «بررسی وضعیت اتمی» به طور وسیعی بر نیاز به گسترش سلاح‌های کم انفجار و نفوذ کننده در عمق زمین جهت شکست اهداف سخت و عمیق زیر زمینی که می‌تواند

شامل انبارهای سلاح‌های کشتار جمعی، سیلوهای موشک‌های بالستیک و مراکز کنترل و فرماندهی باشد، تأکید می‌کند.<sup>۲۵</sup>

فاش شدن این سند طبقه‌بندی شده دنیا را متعجب ساخته و واکنش‌های قوی را از سوی سازمان ملل و جامعه جهانی در برداشته است. متعاقباً در برنامه خبری CBS با عنوان «رو در رو شدن با ملت» وزیر کشور کالین پاول گفت: «ما در حال توسعه سلاح‌های اتمی گرمایی نیستیم».<sup>۲۶</sup> با اینکه آمریکا در حال حاضر مشغول توسعه سلاح‌های اتمی با توان انفجاری کم و قدرت نفوذ نیست ولی این امکان که در آینده به این کار اقدام ورزد منتفی نمی‌شود. بر طبق این سند سلاح‌های اتمی آمریکا قدرت کافی برای نابودی اهداف عمیق زیر زمینی را ندارد و تنها سلاح اتمی دارای قدرت نفوذ در زمین B61 Mod11 است که در حال حاضر توانایی محدودی برای کسب این هدف دارد. سلاح‌های متعارف جایگزین مناسبی برای سلاح‌های هسته‌ای نیستند، زیرا آنها قدرت تخریب این چینی ندارند. در نتیجه آمریکا برای نابودی تأسیسات زیر زمینی و سخت، با کمبود ابزارهای کافی مواجه است.

سلاح‌های اتمی بزرگ، تعداد زیادی اثرات ویرانگر از قبیل انفجار، گرما و تشعشع دارند به صورتی که آنها خود بازدارنده خود هستند. برخی از متخصصین و مقامات رسمی فکر می‌کنند که سلاح‌های اتمی با قدرت انفجاری کم می‌توانند قبل از آنکه منفجر شده و اثرات جانبی و تشعشعات اتمی را پدید بیاورند عمیقاً در زمین نفوذ نمایند به نحوی که آنها را مانند سلاح‌های متعارف قابل استفاده می‌نماید. بنابراین آنها اصرار می‌ورزند که دولت آمریکا نسل جدید سلاح‌های اتمی دقیق کم انفجار را تولید نماید،<sup>۲۷</sup> در حالی که برخی دیگر از متخصصان و مقامات رسمی نظر کاملاً متفاوتی دارند.<sup>۲۸</sup>

سند مذکور تخمین می‌زند که در حدود ۱۰۰۰ عدد از تأسیسات زیر زمینی شناخته شده‌اند و یا از لحاظ استراتژیکی مظنون واقع شده‌اند (مانند، سلاح‌های کشتار جمعی، پایگاه موشک‌های بالستیک، مراکز کنترل و فرماندهی در سلسله مراتب بالا یا رهبری). بیشتر تأسیسات استراتژیکی عمیقاً در زیر زمین واقع شده‌اند. حمله و شکست این مراکز به خاطر عمق آنها در زمین و مشخص نبودن محل دقیق آنها بسیار مشکل است.<sup>۲۹</sup> لذا ضروری

است که سلاح‌های اتمی کوچک دارای قدرت نفوذ در زمین که توانایی نابودی این اهداف را داشته باشند توسعه داده شوند.

جنگ آمریکا در افغانستان، یعنی جایی که نیروهای نظامی تلاش دارند تا غارهایی را که ممکن است شبکه القاعده و شخص اسامه بن لادن در آن مخفی باشند را بمباران و نابود سازند و همچنین نبرد آمریکا با کشورهای یاغی در جهت ممانعت از تلاش آنها برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی موجب شده است که نیاز و ضرورت گسترش این نوع تسلیحات اتمی افزایش یابد.

بر طبق گفته برخی متخصصان اتمی، این نوع از سلاح‌های اتمی، تفاوت بین سلاح‌های متعارف و اتمی را نامشخص خواهد ساخت و دیوار بین آنها را فرو خواهد ریخت و همچنین آستانه استفاده از سلاح‌های اتمی را پایین خواهد آورد. گسترش این نوع تسلیحات اتمی می‌تواند نشان از این باشد که دولت بوش خواهان این است که تابوی عدم استفاده از سلاح‌های اتمی مگر به عنوان آخرین حربه را بشکند. این مسأله پیامی خواهد بود برای کشورهای توسعه یافته که سلاح‌های اتمی دارای فواید نظامی هستند و آنها را به سمت این سلاح‌ها هدایت کند. مسلماً این وضعیت به نفع ثبات و امنیت جهانی نخواهد بود.

### ۹- تعقیب سیاست یک طرفه در کنترل تسلیحات اتمی

کنترل تسلیحات اتمی بخش پشتیبان و جدا نشدنی از استراتژی اتمی آمریکا است. با توجه به تغییرات صورت گرفته در استراتژی اتمی می‌توان دریافت که دولت بوش سیاست‌های کنترل تسلیحات اتمی دولت کلینتون را که تأکید آن بر خلع سلاح اتمی، معاهدات بین‌المللی و همکاری‌های چندجانبه بود، متروک گذاشته است و در عوض رویکردی یک جانبه به خلع سلاح اتمی دارد.<sup>۳۰</sup>

### ۱۰- عقب نشینی یک جانبه از معاهده ABM

بوش رئیس جمهور آمریکا در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ اعلام نمود که ایالات متحده به صورت یک جانبه از معاهده ۱۹۷۲ موشک‌های بالستیک کناره‌گیری خواهد نمود. وی اعلام نمود که این معاهده مانع این می‌شود که ایالات متحده بتواند روش‌های حفاظت از

مردم خودش را بر علیه حملات موشکی تروریست‌ها و دولت‌های یاغی توسعه دهد و همچنین آزمایش تکنولوژی ضد موشکی استراتژیک و توسعه احتمالی موشک‌های دفاعی استراتژیک دریا پایه و فضا پایه را دچار وقفه کرده است. وی در ژوئن ۲۰۰۲ اظهار نمود که این کناره‌گیری به صورت رسمی اعمال خواهد شد.

تصمیم بوش برای کناره‌گیری از پیمان ABM خیلی هم تعجب برانگیز نیست. اما اوج یک جان‌نگری به مسأله کنترل تسلیحات است. بوش همچنین توافق بین‌المللی برای اجرای کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک را رد کرده است و رایزنی‌های بین‌المللی را بر سر معاهده منع کلیه آزمایشات (CTBT)<sup>۳۱</sup> مسکوت گذاشته است. این اولین بار است که یک ملت صریحا از یک پیمان کنترل تسلیحات بین‌المللی کناره‌گیری می‌کند. کناره‌گیری بوش خطرات بسیاری را از جانب کشورهایی که محدودیت زیادی را از ناحیه این معاهده حس می‌کنند پدید خواهد آورد. علاوه بر این موجب نابودی قطعی تلاشهایی خواهد شد که برای جلوگیری از تکثیر موشک‌های بالستیک و سلاح‌های کشتار جمعی صورت گرفته است؛ هر چند که بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ضرورتی تر به نظر می‌رسید. همچنین اثر منفی بر روابط آمریکا با چین و روسیه خواهد داشت.<sup>۳۲</sup>

### ۱۱- کاهش یک‌جانبه سلاح‌های هسته‌ای

بوش از زمان رقابت برای ریاست جمهوری آمریکا بر کاهش تسلیحات اتمی تأکید نموده بود. وی در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ اعلام نمود که آمریکا زرادخانه کلاهک‌های اتمی خود را به ۱۷۰۰ الی ۲۲۰۰ عدد کاهش خواهد داد. کروج معاون وزیر دفاع گفت: «ما تلاش می‌کنیم تا به این سطح کاهش دست یابیم بدون آنکه منتظر پیمان‌های کنترل تسلیحات زمان جنگ سرد شویم».<sup>۳۳</sup>

هرچند پوتین رئیس‌جمهور روسیه و بوش در ۲۴ می ۲۰۰۲ پیمان کاهش سلاح‌های استراتژیک تهاجمی (SORT)<sup>۳۴</sup> را امضا نموده بودند ولی این پیمان مانند استارت ۱ و ۲ یک پیمان واقعی دو جانبه کنترل تسلیحات که بعد از سال‌های زیادی مذاکره و چانه‌زنی منعقد شده باشند نبود. این پیمان به میزان زیادی به منافع و احتیاجات

یک جانبه آمریکا متکی است. مثلا تعداد کلاهک‌های اتمی که کاهش داده شدند مطابق میل آقای پوتین ۱۵۰۰ عدد نیستند بلکه بین ۱۷۰۰ تا ۲۲۰۰ عدد است که آقای بوش تصمیم آن را گرفت. علاوه بر این کلاهک‌هایی که از اختیار نیروهای استراژیک عملیاتی خارج شدند مطابق میل روسی‌ها نبود نشدند بلکه بنابر احتیاج آمریکاییها، به نیروهای عکس‌العمل اختصاص داده شدند که می‌توانند در طول هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌ها به عنوان یک نیروی مکمل برای نیروهای عملیاتی مورد استفاده قرار بگیرند.

کاهش سلاح‌های اتمی توسط دولت بوش بر خلاف دوره کلینتون که بر اساس چارچوب کلی قرارداد ۳ سالت قرار بود کلاهک‌های اتمی نابود شوند لغو شدنی است. به نظر من این نوع از کاهش تسلیحات، خصوصا زمانی که نیت آمریکا برای گسترش سلاح‌های هسته‌ای کم انفجار مورد توجه قرار بگیرد، بیشتر نوعی اصلاح در ساختار نیروهای اتمی آمریکاست نه یک خلع سلاح اتمی واقعی.

## ۱۲- مخالفت با CTBT و آمادگی برای آزمایش هسته‌ای

بوش از تصمیم سناتورها در ۱۹۹۹ برای تصویب نکردن پیمان منع کلیه آزمایشات حمایت نمود. در نوامبر ۲۰۰۱ دولت بوش کنفرانس سازمان ملل که هدف آن تشویق حمایت‌های بین‌المللی برای CTBT بود را تحریم نمود. کیمبال<sup>۳۵</sup> از اعضای کنفرانس کنترل تسلیحات گفت: این تحریم «یک الگوی عدم شرکت یک جانبه را ارائه نمود که نشانی از سیاست کنترل تسلیحات دولت بوش است».<sup>۳۶</sup> کروچ صریحا در ژانویه ۲۰۰۲ اظهار نمود «ما مخالفت با پیمان منع کامل آزمایشات را ادامه می‌دهیم».<sup>۳۷</sup>

در سند «بررسی وضعیت اتمی» گفته شده بود که ایالات متحده نیاز است تا آمادگی خود را حفظ کند و اگر لازم است آزمایشات زیرزمینی اتمی خود در مرکز آزمایش نوادا را در زمانی کمتر از دو سال تحت رهنمودهای وزات انرژی از سر بگیرد.<sup>۳۸</sup> هرچند پاول وزیر کشور آمریکا هرگونه طرح برای آزمایشات اتمی مجدد یا توسعه سلاح‌های جدید را تکذیب نمود ولی برخی مردم به این مسأله مشکوک هستند.<sup>۳۹</sup> دولت

بوش در حال حاضر طرح آزمایشات جدید اتمی را ندارد ولی احتمالاً در حال آماده شدن برای از سرگیری آزمایشات اتمی است که امنیت ملی این کشور به آن نیاز دارد.

نگهداری از انبارهای اتمی ممکن است به آزمایشات اتمی احتیاج داشته باشد. وزارت دفاع و انرژی از کاهش زرادخانه‌های اتمی فعلی خبر دادند. بر اساس خلاصه‌ای از گزارش فرستاده شده در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۱ به آبراهام وزیر انرژی که در ۲ ژانویه ۲۰۰۲ به اطلاع عموم نیز رسید، بازرسی وزارت انرژی ژنرال فریدمن<sup>۴۰</sup> ادعا نموده بود که مشکلات فزاینده‌ای در امنیت و اعتبار سلاح‌های اتمی ملی به علت کمبود آزمایشات اتمی پدید آمده است و به وجود آمدن مجموعه‌های تسلیحاتی موجب چالش‌های جدی برای آژانس تازه تأسیس امنیت اتمی ملی شده است.<sup>۴۱</sup> برخی از رهبران و متخصصان آزمایشگاه‌های سلاح‌های اتمی نیز نظر مشابهی دارند.<sup>۴۲</sup>

آمریکا در مقابل کاهش در زرادخانه‌های اتمی خود توجه بیشتری را به امنیت و قابلیت اعتماد سلاح‌های باقی مانده معطوف خواهد کرد. ریچارد پرل رئیس کمیسیون سیاست دفاعی پنتاگون و مشاور وزیر دفاع دونالد رامسفلد در مسائل نظامی گفت: «مسئله از سرگیری آزمایشات اتمی باید ادامه پیدا کند».<sup>۴۳</sup> سناتور جان وارنر جمهوری خواه عالی رتبه در کمیته نیروهای مسلح سنا نیز اشاره کرد: «اگر برنامه آزمایش سیستم مراقبت جواب ندهد، ما مجبوریم تا برای اطمینان از کارایی سلاح‌های اتمی خود، آزمایشات اتمی را از سر بگیریم».<sup>۴۴</sup> کروچ صریحاً ادعا کرد: «DOE در حال برنامه‌ریزی جهت تسریع طرح‌های آمادگی برای آزمایش است».<sup>۴۵</sup>

توسعه سلاح‌های اتمی کم انفجار نفوذ کننده در زمین ممکن است محتاج از سرگیری آزمایشات اتمی باشد. برخی از کارشناسان سلاح‌های اتمی فکر می‌کنند که آنها می‌توانند نسل جدیدی از سلاح‌های هسته‌ای را بدون آزمایشات هسته‌ای طراحی کرده و توسعه دهند. اما آنها نمی‌توانند از اثرات احتمالی این سلاح‌های اتمی متکی به آزمایشات محدود هیچ تضمینی بدهند. بسیار نامحتمل است که کلاهک دارای قابلیت نابودی پناهگاه‌های سخت و عمیق در زیرزمین بتواند بدون آزمایشات کامل به کار گرفته شود.<sup>۴۶</sup>



مخالفت آمریکا با CTBT مطمئناً تلاش‌های ابتدایی که در چندین دهه از حمایت آمریکا برخوردار بوده است را به عقب خواهد انداخت. آمادگی برای از سرگیری آزمایشات اتمی، دولت‌های دیگر را به سوی عمل مشابه آن هدایت خواهد نمود. اگر روزی آمریکا آزمایشات اتمی را عملی سازد دیگر دولت‌های دارای سلاح‌های اتمی یا دولت‌های فاقد آن نیز به دنبال وی به راه خواهند افتاد. این مسأله مسلماً به نفع تلاش‌های بین‌المللی و آمریکایی‌ها در ممانعت از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی نخواهد بود و به جای افزایش امنیت آمریکا آن را کاهش خواهد داد.

رویکرد یک جانبه دولت بوش به کنترل تسلیحات اتمی شدیداً توسط مردم آمریکا و دیگر کشورها مورد انتقاد قرار گرفته است. برخی کارشناسان و محققان کنترل تسلیحات در ابتدا انتظار داشتند که حادثه ۱۱ سپتامبر و عواقب بعدی آن پایانی بر سیاست‌های یک جانبه کنترل تسلیحات اتمی خواهد بود، چراکه آمریکا برای مبارزه با گروه‌های تروریستی و ازدیاد سلاح‌های اتمی به همکاری بین‌المللی نیازمند است. اما هنوز دولت بوش یک جانبه‌گرایی را ترک نکرده و در آینده نیز به راحتی آن را رها نخواهد کرد.<sup>۴۷</sup> ایالات متحده دارای برتری مطلق نظامی است و یگانه ابرقدرت جهانی پس از پایان جنگ سرد است. این مسأله شالوده سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا را تشکیل می‌دهد.

یک‌جانبه‌گرایی در مقابل کنترل سلاح‌های اتمی توسط هیچ پیمان و یا قانون بین‌المللی محدود نشده است. این مسأله یک قابلیت انعطاف و حق قانونی را برای آمریکا فراهم می‌کند تا به بازسازی یا کاهش سلاح‌های اتمی اقدام کرده و برتری کامل نظامی را دنبال نماید.<sup>۴۸</sup> آمریکا فکر می‌کند که کمیت و برتری نیروهای اتمی‌اش نسبت دو به صفر است. لذا محدودیت‌ها و ضایعات مذاکرات و پیمان‌های کنترل تسلیحات برای آمریکا، بیشتر از کشورهای دیگر است.

مذاکره و به سرانجام رسیدن یک پیمان سال‌ها و حتی ده‌ها به طول می‌انجامد. شرایطی که بتواند پیمانی را در بر داشته باشد مدام غیرضروری‌تر می‌شود و دیدگاه یک‌جانبه آمریکا بر این مسأله غلبه خواهد یافت.

### ۱۳- مفهوم استراتژی دولت بوش برای امنیت چین

استراتژی جدید اتمی دولت بوش می‌تواند توازن نسبی نیروهای بین‌المللی و منطقه‌ای را فرو بریزد و ساختار امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی موجود را نابود سازد. در ضمن ایالات متحده تمرکز استراتژی نظامی خود را از اروپا به آسیا تغییر داده است و چین را به عنوان تهدید بالقوه برای منافع امنیتی خود در آسیای شرقی مورد توجه قرار داده است. این عوامل به طور طبیعی اثر مهمی بر امنیت چین خواهد داشت.

### ۱۴- توجه آمریکا به چین به عنوان هدف احتمالی یک حمله اتمی

آمریکا در گزارش «بررسی وضعیت اتمی»، چین را به عنوان یک هدف بالقوه در یک حمله اتمی مشخص نموده است. این مسأله موجب تعجب و نگرانی بسیار دولت و مردم چین شد. در نتیجه سخنگوی وزارت امور خارجه چین در بسیاری از کنفرانس‌های مطبوعاتی مکرراً اظهار نمود که چین از گزارش وزارت دفاع آمریکا که این کشور را در لیست هفت کشوری که هدف احتمالی تهاجم اتمی هستند قرار داده است بسیار شوکه شده است. چین آمریکا را مسؤول ارائه توضیح در این زمینه دانست.<sup>۴۹</sup> برخی کارشناسان چینی نیز در جهت محکوم نمودن طرح تهاجم اتمی آمریکا مقالاتی را انتشار دادند.<sup>۵۰</sup> آنها این مسأله را تهدید بزرگی برای امنیت چین می‌بینند. چین باید دقیقاً مراقب طرح جنگ اتمی آمریکایی‌ها باشد.

ایالات متحده چین را به این علت به عنوان هدف شناخته است که این کشور را تهدید بالقوه اصلی برای منافع امنیتی جهان در قرن ۲۱ قلمداد می‌کند. شوروی دشمن شماره یک آمریکا در طول دهه‌ها ناگهان در اوایل ۱۹۹۰ فروپاشید. از آن زمان آمریکا به دنبال تهدید و رقیب جدیدی می‌گردد. بعد از اصلاحات اساسی و باز کردن درها توسط چین، قدرت اقتصادی و نظامی این کشور بسیار سریع افزایش پیدا کرد. ترقی و صعود چین توجه و نگرانی آمریکایی‌ها را جلب نمود.<sup>۵۱</sup> برخی از سیاستمداران و محققان، ترقی چین را به عنوان چالشی برای منافع امنیتی آمریکا قلمداد نمودند.<sup>۵۲</sup> آنها فکر می‌کنند که ترقی چین به عنوان یک قدرت بزرگ ممکن است محتاج به تجدید نظر در سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی موجود شود. این مسأله چالش‌های اساسی برای منافع امنیتی آمریکا در منطقه

آسیای پاسیفیک و جهان در برخورد داشت؛ مانند دیگر قدرت‌های بزرگ در تاریخ از قبیل: آلمان نازی، امپراطوری ژاپن و اتحاد جماهیر شوروی.

هرچند برخی مردم آمریکا نظر مخالف این را دارند<sup>۵۳</sup> اما قطعی است که تندروهای مخالف آمریکا در دولت بوش دست بالا را دارند. دولت بوش چین را به عنوان یک رقیب استراتژیک و نه به عنوان یک شریک استراتژیک قلمداد می‌کند. از این منظر چین می‌تواند تهدید اساسی برای امنیت آمریکا در آینده باشد.

آمریکا و چین سیستم سیاسی، ایدئولوژیک و ارزش‌های اجتماعی کاملاً متفاوت دارند که متضمن ریشه‌های تضاد و درگیری بین طرفین است. چین یک روند مدرنیزاسیون نیروهای اتمی استراتژیک برای حمله به خاک آمریکا را در برنامه دارد. بنا بر برآورد سازمان اطلاعات ملی، موشک‌های بالستیک چینی در سال ۲۰۱۵ به حدود ۷۵ الی ۱۰۰ کلاهک جهت حمله به آمریکا مجهز خواهند شد.<sup>۵۴</sup>

در نتیجه رشد اقتصادی، تقویت نیروهای نظامی و افزایش موقعیت سیاسی چین، این کشور به زودی تبدیل به یک کشور قدرتمند خواهد شد که می‌تواند در آسیا و کل جهان آمریکا را به چالش بکشد.

چین با افزایش نیروهای نظامی خود ممکن است برای اتحاد تایوان از نیروهای نظامی خود استفاده نماید. این مسأله موجب برخورد نظامی بین آمریکا و چین خواهد شد. در سند «بررسی وضعیت اتمی» گفته شده است: «چین در نتیجه ترکیبی از توسعه اهداف استراتژیک و همچنین روند مدرنیزاسیون رو به جلو در زمینه نیروهای نظامی اتمی و غیر اتمی گرفتار پیشامدهای احتمالی بالقوه و بالفعل خواهد شد» و «شرایط حاضر برای وقوع پیامدهای احتمالی منجر به ... مواجهه و تقابل بر سر دولت تایوان خواهد شد».<sup>۵۵</sup>

## ۱۵- استفاده از سلاح‌های اتمی برای دفاع از تایوان اساس امنیت چین را تهدید می‌کند

دولت چین مکرراً اظهار نموده است که منافع حیاتی ملت چین بسته به حل معضل تایوان و اتحاد کامل این کشور با چین است.<sup>۵۶</sup> استفاده آمریکایی‌ها از سلاح‌های اتمی و

بازدارندگی اتمی برای دفاع از تایوان اتحاد دو کشور چین و تایوان را به تأخیر انداخته است و منافع حیاتی چین را که تحت عنوان حاکمیت کشور، وحدت، تمامیت ارضی و امنیت خوانده می‌شود تهدید می‌کند.

دولت آمریکا برای چندین دهه است که امنیت سیاسی و نظامی تایوان را تأمین کرده است. دولت بوش حمایت‌های نظامی و سیاسی از تایوان را افزایش داده است. در آوریل ۲۰۰۱ بوش اعلام کرد که ایالات متحده تعداد هشت فروند زیردریایی دیزلی و چهار نابود کننده موشک‌های هدایت شونده به تایوان خواهد فروخت که مسلماً سطح فروش‌های نظامی به تایوان را افزایش خواهد داد. علاوه بر این به وزیر دفاع دولت تایوان اجازه داد تا در ۱۱ مارس ۲۰۰۲ در جلسه شورای تجارت تایوان - آمریکا در فلوریدا شرکت نماید. این اولین بار بعد از قطع روابط دیپلماتیک واشنگتن با تایوان و به رسمیت شناختن چین است که یک مقام رسمی دفاعی تایوان اجازه می‌یابد تا از آمریکا دیدن نماید. بوش در آوریل ۲۰۰۱ اعلام نمود که آمریکا «به هر قیمتی شده است» از تایوان در مقابل حملات نظامی توسط چین دفاع خواهد نمود.

علاوه بر این، سند «بررسی وضعیت اتمی» از پنتاگون می‌خواهد تا طرح‌های فوری برای استفاده از سلاح‌های اتمی علیه چین را در جنگ احتمالی بین چین و تایوان آماده سازد. این طرح با طرح‌های آمریکا برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای جهت بازداشتن چین از اتحاد مجدد تایوان در دو بحران سال ۱۹۵۰ ترکیب شده و یک پیام بسیار خطرناک را در بردارد که: آمریکا برای دفاع از تایوان در یک بحران یا در جنگ در نظر دارد که از سلاح‌های اتمی استفاده نماید.

علاوه بر این آمریکا خواهان فروش سیستم‌های دفاع موشکی به تایوان است. آدمیرال دنیس بلر فرمانده نیروهای آمریکایی در پاسیفیک در آوریل ۲۰۰۲ به خبرنگاران گفت که آمریکا متعهد است که یک توازن نظامی پایدار را برای تایوان فراهم نماید و اگر این توازن نظامی به نفع چین تغییر نمود «من مطمئن هستم که دفاع موشکی جهت دفاع از تایوان مورد توجه قرار خواهد گرفت».<sup>۵۷</sup> سیستم دفاع موشکی اولین قدم برای برقراری مجدد اتحاد نظامی بین آمریکا و تایوان است. این سیستم با دیگر سیستم‌های تسلیحاتی

تفاوت‌هایی دارد چراکه همکاری نظامی دوجانبه برای ماهواره‌های اخطار دهنده و رادارهای زمین پایه برد بلند را ضروری می‌سازد. این مسأله تایوان را به سمت اتکای بسیار زیاد به آمریکا هدایت خواهد نمود و همچنین باعث خواهد شد تا آمریکا برای دفاع از تایوان برخی تعهدات را به عهده بگیرد.

بدون شک این اقدام ذکر شده آمریکایی‌ها موجب گرایش بیشتر به حفظ استقلال تایوان خواهد شد. حفاظت از تایوان با استفاده از سلاح‌های اتمی و سیستم‌های دفاعی، روابط نظامی تایوان و حتی ژاپن را با آمریکا افزایش خواهد داد و موجب ترکیب نیروهای تایوانی با نیروهای ژاپنی و آمریکایی خواهد شد. بنابراین منافع امنیتی تایوان شدیداً وابسته به منافع امنیتی آنها می‌شود. رئیس‌جمهور تایوان چن شوییان در یک مصاحبه با روزنامه واشنگتن تایمز در جولای ۲۰۰۱ گفت تایوان، دولت آمریکا و ژاپن باید نیروهای مشترک را برای تقویت نیروهای دفاعی منطقه‌ای بر علیه تهدید موشکی فزاینده چین تشکیل دهند.<sup>۵۸</sup>

از نگاه سیاسی، حمایت آمریکا از تایوان می‌تواند رهبران این کشور را که دارای افکار استقلال طلبانه هستند به سمتی هدایت نماید که معتقد شوند در صورت بروز هرگونه درگیری نظامی بین چین و تایوان، آمریکا در استفاده از سلاح‌های اتمی تردید به خرج نخواهد داد. این مسأله موجب دلگرمی رهبران تایوان خواهد شد تا به سوی استقلال حرکت نمایند و با اتحاد مجدد با سرزمین مادری مخالفت بورزند.

نیروهای سه‌جانبه جدید، سودمندی بازدارندگی اتمی چین را ضعیف خواهد نمود چین همیشه تعداد سلاح‌های اتمی خود را در سطح محدودی نگه می‌دارد. طبق برآورد مراکز اطلاعاتی آمریکا، چین در حال حاضر حدود ۲۰ موشک بالستیک قاره پیمای زمین پایه (ICBMs) دارد که می‌توانند به اهدافی در خاک آمریکا برسند.<sup>۵۹</sup> هرچند نیروهای اتمی استراتژیک چین کوچک و محدود هستند اما چین می‌تواند ضربات متقابل نسبی را بعد از اقدام آمریکا به اولین حمله اتمی وارد سازد و به طور موثری موجب بازداشتن آمریکا از مبادرت به حمله اتمی پیشدستانه شود. به هر حال نیروهای اتمی بازدارنده محدود چین علیه آمریکا با نیروهای سه‌گانه جدید آمریکا که شامل نیروهای تهاجمی اتمی و غیر اتمی، سیستم دفاع موشکی و زیرساخت‌های تدافعی واکنش سریع است شدیداً تضعیف خواهد شد.

سیستم دفاع موشکی آمریکا به عنوان یکی از پایه‌های نیروهای سه‌گانه این کشور برای کاستن از توانایی بازدارندگی اتمی موجود چینی‌ها کافی است. دولت بوش در نظر دارد تا یک سیستم دفاع موشکی در انواع زمین‌پایه، دریا پایه و فضا پایه را جهت نابودی موشک‌های بالستیک در هر زمان از فرایند پروازشان پدید بیاورد. آمریکا همچنین ۱۰۰ عدد رهگیر را در آلاسکا مستقر خواهد نمود که در اولین گام قادرند در مقابل حمله ده‌ها موشک از آمریکا دفاع نمایند. در مقابل موشک‌های بالستیک سیلوپایه و با سوخت مایع چینی‌ها هستند قرار دارند و تنها قابلیت حمل یک کلاهک را دارند که در مقابل دفاع موشکی ملی آمریکا کم ارزش و بی‌اثر خواهند بود.

هرچند دولت آمریکا رسماً ادعا نموده است که هدف از سیستم دفاع موشکی (NMD)<sup>۶۰</sup> دفاع در مقابل دولت‌های یاغی است و نه چین، ولی بسیاری از متخصصان چینی معتقدند که آمریکا از تهدید موشکی توسط دولت‌های یاغی به عنوان بهانه‌ای برای گسترش و به کارگیری NMDs استفاده می‌کند که هدف اصلی آن متوجه چین است.<sup>۶۱</sup> هیچ راهی وجود ندارد که دولت بوش بتواند انگیزه خود برای به کارگیری سیستم دفاع موشکی را توضیح دهد. هیچ کس نمی‌تواند این واقعیت را که سیستم دفاع موشکی آمریکا قابلیت رهگیری و دفاع در مقابل موشک‌های بالستیک چین را دارد، انکار نماید. این سیستم هم اکنون به گونه‌ای است که می‌تواند بین ۲۰ الی ۱۰۰ کلاهک را رهگیری نماید. چین تنها حدود ۲۰ الی ۱۰۰ کلاهک دارد. فرستاده سابق چین در امور کنترل تسلیحات شا زوکانگ اظهار نمود: «چین با NMD مخالف است چرا که امنیت چین را به خطر خواهد انداخت».<sup>۶۲</sup>

دولت بوش همچنین اهمیت زیادی را به پیشرفت نیروهای تهاجمی متعارف داده است، مخصوصاً سلاح‌های متعارف با دقت و بلند برد، چراکه می‌توانند اهداف سخت و در عمق زمین را نابود سازند. این سلاح‌ها قدرت عجیب خود را در جنگ خلیج فارس و بحران کوزوو نشان دادند. بسیار محتمل است که ایالات متحده برای حمله به سیلوهای موشک‌های اتمی چین و مراکز کنترل و فرماندهی زیرزمینی به جای استفاده از سلاح‌های اتمی تهاجمی استراتژیک خود از سلاح‌های متعارف با دقت و بلند برد استفاده نماید. این سلاح‌ها به مانند سیستم دفاع موشکی می‌توانند توانایی ضربه دوم اتمی فعلی چینی‌ها را نابود سازند.

قابل توجه اینکه این نوع از سلاح‌های متعارف چالش‌های جدی را در مقابل سیاست اتمی عدم استفاده اولیه<sup>۶۳</sup> (ضربه اول) چینی‌ها پدید خواهد آورد. از اولین روزی که این کشور به سلاح اتمی دست یافت به صورت یک جانبه متعهد گردید که اولین نفری نباشد که از این سلاح استفاده می‌کند و همچنین آن را علیه و یا برای تهدید دولت‌های غیر اتمی نیز به کار نگیرد. در سایه این سیاست اتمی، چین نمی‌تواند برای دفاع از خود در مقابل حملات متعارف آمریکایی‌ها از این سلاح استفاده نماید حتی اگر این حمله بر علیه تأسیسات سلاح‌های اتمی و سایت موشک‌های این کشور باشد. این مسأله تهدید بزرگی برای امنیت چین است. لذا برخی پیشنهاد می‌کنند که چین سیاست ضربه اول را مورد توجه قرار دهد.<sup>۶۴</sup>

نیروهای سه‌گانه آمریکا نه تنها توانایی حمله تهاجمی را فراهم می‌سازند، بلکه توانایی دفاع موشکی در مقابل چین را نیز ممکن می‌سازند. این مسأله توانایی تلافی هسته‌ای چین را تا حد بسیار زیادی کاهش خواهد داد و بازدارندگی محدود نیروهای اتمی چین را خنثی خواهد ساخت. در این شرایط ایالات متحده کمتر نگران انحراف مسیر جنگ به سمت تایوان و بحران‌های گذشته خواهد بود.

سیاست یک جانبه کنترل تسلیحات، بخت چین برای محدود کردن آمریکا را از بین می‌برد کنترل تسلیحات مانند گسترش نیروهای نظامی وسیله‌ای برای حفاظت از امنیت ملی است. یک ملت ممکن است از مذاکرات کنترل تسلیحات برای محدود کردن دشمنان و بیشتر برای محدود نمودن حوزه منافع امنیتی خود استفاده نماید. تاریخ کنترل تسلیحات نشان می‌دهد که مشارکت چین در کنترل تسلیحات به طور قطع برای منافع ملی این کشور مفید بوده است. در اوایل دوران جنگ سرد چین فکر می‌کرد با توجه به اینکه خلع سلاح قدرت‌های بزرگ تنها بر روی کاغذ تحقق پیدا کرده، آمریکا و شوروی سعی دارند تا با استفاده از معاهدات و مذاکرات کنترل تسلیحات، پیشرفت این کشور در زمینه سلاح‌های اتمی را محدود سازند. در نتیجه چین در مذاکرات کنترل تسلیحات چندجانبه شرکت نکرد و تنها پیمان کنترل تسلیحات چندجانبه را امضا نمود.

بنابراین چین فرصت تأثیر گذاری بر فرآیند و حجم کنترل تسلیحات بین‌المللی و خلع سلاح و همچنین بهبود منافع امنیتی خود را از دست داد. به علاوه چین در نهایت

مجبور شد که در پیمان‌های کنترل تسلیحات بین‌المللی مشارکت نماید یا نسبت به آنها متعهد شود؛ حتی با اینکه برخی از مفاد این پیمان‌ها بهترین منافع امنیتی چین را در بر نداشتند. به علاوه فشارهای عمومی قوی از سوی جامعه بین‌المللی بر کنترل تسلیحات و خلع سلاح اصرار می‌ورزیدند.

چین از زمان انجام اصلاحات و اعمال سیاست درهای باز در ۱۹۷۸، سیاست دفاعی انعطاف‌ناپذیر خود را عمیقاً تغییر داده است. این کشور در امور بین‌المللی و مذاکرات چند جانبه بر سر کنترل تسلیحات و خلع سلاح هرچه بیشتر و بیشتر مداخله می‌کند و می‌تواند تا حدودی نقش بسیار مهمی را در روند و نحوه تنظیم کنترل تسلیحات بین‌المللی با دیگر کشورها در جهت حفظ منافع امنیت ملی خود داشته باشد.<sup>۶۵</sup> برای مثال چین در مذاکرات چندجانبه CTBT با قدرت شرکت نمود و نه تنها توانست فرصت لازم برای انجام برخی آزمایشات اتمی خود را به دست بیاورد بلکه در نهایت احتیاجات خود را نیز در پیمان گنجاند. از زمان آغاز مذاکرات CTBT چین شش آزمایش اتمی را انجام داد: در اکتبر ۱۹۹۳، ژوئن ۱۹۹۴، می ۱۹۹۵، آگوست ۱۹۹۵، ژوئن ۱۹۹۶ و جولای ۱۹۹۶.

چین اعلام نمود که درخواست بازرسی‌های محلی<sup>۶۶</sup> باید به تصویب اکثریت دو سوم اعضای شورای اجرایی برسد.<sup>۶۷</sup> لذا بر اساس پیشنهاد چین، بازرسی‌های محلی باید حداقل ۳۰ رأی مثبت اعضای شورای اجرایی که دارای ۵۱ عضو است را داشته باشد.<sup>۶۸</sup> به علاوه چینی‌ها مناقشه نمودند که CTBT باید تنها پس از تصویب آن توسط کلیه دولت‌های دارای توانایی اتمی که در لیست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مشخص شده‌اند وارد عمل شود.<sup>۶۹</sup> بند ۱۴ CTBT مقرر می‌دارد که این پیمان بعد از ۱۸۰ روز از زمان تصویب قانونی آن توسط ۴۴ کشور دارای توانایی اتمی شروع به کار خواهد نمود.<sup>۷۰</sup>

البته چینی‌ها در مذاکرات CTBT برخی ضررها را نیز شاهد بوده‌اند، اما با چانه‌زنی‌های صورت گرفته، توانسته‌اند تعدادی از منافع حیاتی امنیت ملی خود را حفظ نمایند. لذا برای چین حتی پنج دولت دارای زرادخانه کوچک سلاح‌های اتمی عقب مانده که فعالانه در مذاکرات کنترل تسلیحات شرکت نمایند بهتر از عدم مشارکت است.



به هر حال دولت بوش مذاکرات و همکاری‌های چندجانبه در زمینه کنترل تسلیحات اتمی را رها کرده است و رویکردی یک جانبه به خلع سلاح اتمی را دنبال می‌نماید. در نتیجه چین بار دیگر فرصت مشارکت و اثرگذاری بر روند و محتوای کنترل تسلیحات هسته‌ای را از دست خواهد داد. این مسأله در راستای منافع امنیتی چین نخواهد بود.

### نتیجه‌گیری

دولت بوش تغییرات بنیادی را در استراتژی اتمی آمریکا از زمان پایان جنگ سرد پدید آورده است. این استراتژی اتمی جدید از حالت مدل تهدید محور گذشته به مدل توانایی محور جدید تغییر یافته است. این استراتژی از حالت بازدارندگی اتمی مبتنی بر نابودی قطعی متقابل به بازدارندگی اتمی همه جانبه تغییر یافته است. نیروهای سه گانه زمان جنگ سرد که کاملاً مبتنی بر نیروهای استراتژیک اتمی تهاجمی شامل ICBMs، SLBMs و بمب افکن‌های استراتژیک بود جای خود را به نیروهای سه گانه جدید داد که شامل نیروهای ضربت تهاجمی اتمی و غیراتمی، سیستم دفاع موشکی و زیرساخت‌های دفاعی واکنش سریع می‌شود. نقش سلاح‌های هسته‌ای از بازدارندگی به نقش جنگ‌افزایی گسترش یافت. به علاوه دولت بوش یک سیاست کنترل تسلیحات یک جانبه را به جای مذاکرات چندجانبه و پیمان‌های سنتی دنبال می‌کند.

هدف تغییر استراتژی اتمی آمریکا حفظ پرتی مطلق نظامی این کشور به منظور بقای یگانه ابرقدرت جهانی است. این رویکرد توازن نیروهای نظامی منطقه‌ای و جهانی را فرو خواهد ریخت و موجب سوق دادن برخی کشورها به سوی توسعه نیروهای استراتژیک به منظور کاستن از شکاف نظامی بین آنها و آمریکا خواهد شد. در مقابل کشورهای همسایه آنها نیز همین واکنش را از خود نشان خواهند داد. این روند موجب بی‌ثباتی منطقه‌ای و جهانی خواهد شد و منافع امنیتی آمریکا را نیز از پایه فرو خواهد ریخت.

ظهور نیروهای سه گانه جدید و همچنین ظهور احتمالی سلاح‌های اتمی کم انفجار نه تنها اختلاف بین سلاح‌های اتمی و غیراتمی را خواهد پوشاند، بلکه درست به

همان صورت اختلاف بین جنگ اتمی و عرفی را نادیده خواهد گرفت. لذا در نتیجه ازدیاد سلاح‌های اتمی و موشک‌های بالستیک احتمال استفاده از سلاح‌های اتمی افزایش خواهد یافت.

از میان قدرت‌های اتمی این استراتژی اتمی جدید بیش از همه تبعاتی برای چین خواهد داشت، چراکه این کشور در میان لیست هفت ملتی که به عنوان اهداف حمله اتمی آمریکا مشخص شده‌اند قرار گرفته است. این تهدید بزرگی برای امنیت چین به حساب می‌آید. آمریکا ممکن است برای دفاع از تایوان از سلاح اتمی استفاده نماید. این احتمال، یکپارچه‌سازی مجدد چین را به تأخیر می‌اندازد و لذا هسته اصلی امنیت چین را تهدید می‌کند. آمریکا برتری مطلق نظامی را در مقابل چین دارد. پدید آوردن نیروهای سه‌گانه جدید تضعیف بیشتری را متوجه نیروهای بازدارنده اتمی محدود چین خواهد نمود. در نهایت استراتژی اتمی جدید آمریکا تأثیرات مهمی بر منافع امنیتی چین خواهد داشت.

### پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Presidential Election Forum: The Candidates on Arms Control," *Arms Control Today*, September 2000.
- 2 - Nuclear Posture Review.
- 3 - "Nuclear Posture Review [Excerpts]," <http://www.globalsecurity.org/wmd/library/policy/dod/npr.htm>, January 8, 2002.
- 4 - Threat-based.
- 5 - Capabilities-based.
- 6 - Donald H. Rumsfeld, "Transforming the Military," *Foreign Affairs*, May/June 2002.
- 7 - Land-based intercontinental ballistic missiles.
- 8 - Submarine-launched ballistic missiles.
- 9 - Henry A. Kissinger, *The Necessity for Choice*, Garden City (New York: Doubleday, 1962), p. 12.
- 10 - Department of Defense, "Nuclear Posture Review," *1995 Annual Defense Report*, [http://www.defenselink.mil/execsec/adr95/npr\\_.html](http://www.defenselink.mil/execsec/adr95/npr_.html).
- 11 - Craig Cerniello, "Clinton Issues New Guidelines on U.S. Nuclear Weapons Doctrine," *Arms Control Today*,

- November/December 1997; and "PDD/NSC 60: Nuclear Weapons Employment Policy Guidelines," <http://www.fas.org/irp/offdocs/pdd60.htm>.
- 12 - Paul Richter, "U.S. Works Up Plan for Using Nuclear Arms," *The Los Angeles Times*, March 9, 2002.
- 13 - George W. Bush, "President Bush Delivers Graduation Speech at West Point," <http://www.whitehouse.gov/news/releases/2002/06/print/20020601-3.html>, June 1, 2002
- 14 - George W. Bush, "Missile Defense: Remarks to Student and Faculty at National Defense University," <http://www.state.gov/t/ac/rls/rm/2001/2873.htm>, May 1, 2001.
- 15 - George W. Bush, "President Discusses National Missile Defense," <http://www.state.gov/t/ac/rls/rm/2001/6847.htm>, December 13, 2001.
- 16 - Walter Pincus, "U.S. Alters Estimate of Threats," *The Washington Post*, January 11, 2002.
- 17 - Department of Defense, *Quadrennial Defense Review Report*, <http://www.defenselink.mil/pubs/qdr2001.pdf>, September 30, 2001.
- 18 - Anti-Ballistic Missile
- 19 - J. D. Crouch, "Special Briefing on the Nuclear Posture Review," [http://www.defenselink.mil/news/Jan2002/t01092002\\_t0109npr.html](http://www.defenselink.mil/news/Jan2002/t01092002_t0109npr.html), January 9, 2002.
- 20 - Low-yield earth-penetrating nuclear weapon
- 21 - The studies report was sent to Congress by the Department of Defense in October and disclosed on December 19, 2001, by Nuclear Watch of New Mexico, a nonprofit organization concerned with safety, environmental, and nonproliferation issues surrounding nuclear weapons. See Walter Pincus, "Nuclear Strike on Bunkers Assessed: Congress Receives Pentagon Study," *The Washington Post*, December 20, 2001
- 22 - J.D.Crouch.
- 23 - Crouch, see note 19.
- 24 - Philipp C. Bleek, "Energy Department to Study Modifying Nuclear Weapons," *Arms Control Today*, April 2002.
- 25 - "Nuclear Posture Review [Excerpts]," see note 6.
- 26 - Michael R. Gordon, "Nuclear Arms for Deterrence or Fighting?" *The New York Times*, March 11, 2002.
- 27 - They are Los Alamos weapons analysts Thomas Dowler and Joseph Howard, and Sandia Laboratory director Paul Robinson. See Robert W. Nelson, "Low-Yield Earth-Penetrating Nuclear Weapons," *FAS Public Interest Report—The Journal of the Federation of American Scientists*, January/February 2001, <http://www.fas.org/faspir/2001/v54nl/weapons.htm>



- 28 - Opponents include Robert W. Nelson, theoretical physicist; Michael A. Levi, deputy director of FAS's strategic security project; Henry C. Kelly, president of the Federation of American Scientists; and Rep. Edward Markey (Massachusetts). See Henry C. Kelly and Michael A. Levi, "Nix the Mini-nukes," *The Christian Science Monitor*, March 28, 2002, <http://www.csmonitor.com/2002/0328/p09s01-coop.html>; and Edward Markey, "Letter to President Bush," February 14, 2002, [http://www.fcni.org/issues/arm/sup/nuclear\\_weapons\\_markey12402.htm](http://www.fcni.org/issues/arm/sup/nuclear_weapons_markey12402.htm).
- 29 - Nuclear Posture Review [Excerpts], see note 3.
- 30 - Rose Gottemoeller, "Arms Control in a New Era," *The Washington Quarterly* 25 (spring 2002).
- 31 - Comprehensive Test Ban Treaty.
- 32 - See ACA Press Conference, "ABM Treaty Withdrawal: Neither Necessary nor Prudent," *Arms Control Today*, January/February 2002; Steven Mufson, "ABM Treaty May Be History, but Deterrence Doctrine Lives," *The Washington Post*, December 16, 2001; Charles Pena and Ivan Eland, "Withdrawal Is Premature," *Arms Control Today*, January/February 2002; and Wade Boese, "U.S. Withdraws from ABM Treaty; Global Response Muted," *Arms Control Today*, July/August 2002.
- 33 - Crouch, see note 19.
- 34 - Strategic Offensive Reductions Treaty.
- 35 - Daryl G. Kimball.
- 36 - Daryl G. Kimball, "CTBT Rogue State?" *Arms Control Today*, December 2001.
- 37 - Crouch, see note 19.
- 38 - "Nuclear Posture Review [Excerpts]," see note 2; and Michael R. Gordon, "U.S. Nuclear Plan Sees New Weapons and New Targets," *The New York Times*, March 10, 2002.
- 39 - Michael R. Gordon, "Nuclear Arms for Deterrence or Fighting?" *The New York Times*, March 11, 2002.
- 40 - Gregory H. Friedman.
- 41 - Walter Pincus, "Report Finds Shortcomings in Energy Dept. Arms Testing: Ability to Ensure Weapons' Reliability at Issue, IG Says," *The Washington Post*, January 3, 2002, p. A15.
- 42 - Kathleen C. Bailey, *The Comprehensive Test Ban Treaty: An Update on the Debate*, National Institute for Public policy, March 2001, pp. 1-4, <http://www.inpp.org>.
- 43 - Walter Pincus, "U.S. to Seek Options on New Nuclear Tests: White House Worries about Arsenal's Reliability," *The Washington Post*, January 8, 2002, p. A04.
- 44 - Pincus, "Report Finds Shortcomings," see note 41.
- 45 - Crouch, see note 19.
- 46 - Nelson, "Low-Yield Earth-Penetrating Nuclear Weapons," see note 27.

- 47 - Steven E. Miller, "The End of Unilateralism or Unilateralism Redux?" *The Washington Quarterly* 25 (winter 2002).
- 48 - Michelle Ciarrocca, "Roadmap to Unilateralist Nuclear Policy," [http://www.fpip.org/commentary/2002/0201nuke\\_body.html](http://www.fpip.org/commentary/2002/0201nuke_body.html), January 16, 2002; Ciarrocca is an analyst with the Arms Trade Resource Center at the World Policy Institute.
- 49 - Foreign Ministry Spokesperson's Press Conference, <http://www.fmprc.gov.cn/chn/26473.html>, <http://www.fmprc.gov.cn/eng/26588>, <http://www.fmprc.gov.cn/eng/26749.html>, March 11, 12, and 14, 2002.
- 50 - Tan Xinmu, "Xin Bian Hua Jiu Si Wei: Ping Mei He Tai Shi Ping Gu Bao Gao (New Change Old Thinking: Comments on the U.S. Nuclear Posture Review)," *People's Liberation Army Daily*, March 24, 2002;
- Zhu Feng, "Mei Guo Ke Neng Dui Zhong Guo Fa Dong He Gong Ji? (Can the United States Launch a Nuclear Attack on China?)," *Lian He Zao Bao*, March 12, 2002; Ren Qiuling, "He Da Ji Hei Ming Dian Pu Guang Shi Mo (List of Targets of Nuclear Strike Leaked from the Beginning to the End)," *Qi Lu Evening News*, March 15, 2002.
- 51 - See Michael E. Brown, Owen R. Cote Jr., Sean M. Lynn-Jones, and Steven E. Miller, eds., *The Rise of China* (Cambridge, MA: MIT Press, 2000); David Shambaugh, "Containment or Engagement of China: Calculating Beijing's Responses," *International Security* (fall 1996); Gerald Segal, "East Asia and the 'Constraint' of China," *International Security* (spring 1996); and Randall L. Schweller, "Managing the Rise of Great Power: History and Theory," in *Engaging China: The Management of an Emerging Power*, eds. Alastair Iain Johnston and Robert S. Ross (New York: Routledge, 1999).
- 52 - See Edward Friedman, "The Challenge of a Rising China: Another Germany?" in *Eagle Adrift: American Foreign Policy at the End of the Century*, ed. Robert J. Lieber (New York: Addison Wesley Longman, Inc., 1997); James Lilley and Carl Ford, "China's Military: A Second Opinion," *National Interest* 57 (fall 1999); Arthur Waldron, "Statement of Dr Arthur Waldron," *House Armed Services Committee*, June 21, 2000, <http://www.house.gov/hasc/testimony/106thcongress/00-06-21waldron.html>; Bill Gertz, *The China Threat: How the People's Republic Targets America* (Washington, D.C.: Regnery, 2000); Thomas J. Christensen, "Posing Problems Without Catching Up: China's Rise and Challenges for U.S. Security Policy," *International Security* 25, no. 4 (spring 2001).
- 53 - See Bates Gill and Michael O'Hanlon, "China's Hollow Military," *National Interest* 56 (summer 1999); Bates Gill and Michael O'Hanlon, "China's Military, Take 3" *National Interest* 58 (winter 1999/2000); Michael

- O'Hanlon, "Why China Cannot Conquer Taiwan," *International Security* 25, no. 2 (fall 2000); and Avery Goldstein, "The Diplomatic Face of China's Grand Strategy: A Rising Power's Emerging Choice," *The China Quarterly*, December 2001.
- 54 - National Intelligence Council, "Foreign Missile Developments and the Ballistic Missile Threat through 2015," [http://www.cia.gov/nic/pubs/other\\_products/Unclassifiedballisticmissilefinal.htm](http://www.cia.gov/nic/pubs/other_products/Unclassifiedballisticmissilefinal.htm), December 2001.
- 55 - "Nuclear Posture Review [Excerpts]," see note 3.
- 56 - Information Office of the State Council of the People's Republic of China, "China's National Defense 2000," in *National Defense Policy*, October 2000.
- 57 - Bill Gertz, "Missiles Bolstered Opposite Taiwan," *The Washington Times*, April 29, 2002.
- 58 - Ibid.
- 59 - National Intelligence Council, see note 54.
- 60 - National Missile Defense.
- 61 - Li bin, "The Effects of NMD on Chinese Strategy," *Jane's Intelligence Review*, March 7, 2001.
- 62 - Sha Zukang, "Briefing on Missile Defense Issue," <http://www.fmprc.gov.cn/eng/9375.html>, March 23, 2001.
- 63 - No-first-use nuclear policy
- 64 - Hang Ge, "Zhong Guo Ying Tiao Zheng He Zheng Ce (China Should Adjust the Nuclear Policy)," *Lian He Zao Bao*, July 22, 2000.
- 65 - Pan Zhengqiang, *International Disarmament and Arms Control* (Beijing: National Defense University Press, 1996), p. 417.
- 66 - On-Site Inspection.
- 67 - Chinese Delegation, "China's Position on CTBT On-Site-Inspection—A Working Paper," *CD/NB/WP.266*, September 5, 1995.
- 68 - "The Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty," Article IV, <http://www.state.gov/www/global/arms/treaties/ctb.html>.
- 69 - Zou Yunhua, "China and the CTBT Negotiations," working paper, Center for International Security and Cooperation, Stanford University, December 1998, <http://www.cisac.stanford.edu/docs/zouctbt.pdf>.
- 70 - "The Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty," Article XIV, see note 68.